

اسناد

ونامه های تاریخی

مجله بررسی های تاریخی در هر شماره مطالعات فرنگی

از اسناد و نامه های تاریخی که پیش از این
در جاتی چاپ نشده باشد بچاپ خواهد رسانید

تا بدین ترتیب مدارك و اسناد پراکنده تاریخ
ایران جمع آوری و برای استفاده پژوهندگان

آماده گردد.



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روابط ایران و فرانسه

چند سندی که در این شماره منتشر میشود مربوط بروابط ایران و فرانسه در زمان فتحعلیشاه است و از روی اصل آنها که در بایگانی ملی پاریس Archives nationales ضبط میباشد عکس برداری شده است.

دو نامه اول و دوم بترتیب از عباس میرزا نایب السلطنه و میرزا بزرگ قائم مقام وزیر اوست که آنها را به عسکرخان افشار سفیر ایران در دربار فرانسه نوشته اند. نامه عباس میرزا چنانکه از متن آن بر می آید مورخ به تاریخ ذی القعدة ۱۲۲۳ هجری است و با علم باینکه بر حسب معمول و رسم این زمان، و هر موقع فرمان رقمی از جانب

سرمنگ جباگیر قائم مقامی

(دکتر در تاریخ)

شاه ولیعهد و یاشاهزادگان بنام کسی صادر میشد وزیر نیز نامه‌ای به آن شخص مینوشت، نامه میرزا بزرگ هم اگرچه تاریخ ندارد ولی بگمان نزدیک به یقین در همان ذی‌القعدة ۱۲۲۳ نوشته شده است.

متن نامه عباس میرزا حاکی از مساعی ژنرال گاردان Gardane سفیر ناپلئون در دربار فتحعلیشاه است که مأموریت داشت برای حفظ مصالح فرانسه و هموار ساختن راه برای اجرای طرحها و نقشه‌های نظامی و سیاسی ناپلئون بجننگ ایران و روسیه پایان دهد و گاردان بهمین نظر در ۲۸ جمادی‌الآخره ۱۲۲۳ (۲۱ اوت ۱۸۰۸) از دولت ایران تعهدنامه‌ای گرفته بود مبنی بر اینکه ارتش ایران دست از جننگ بکشد و خود نیز تعهدی سپرد که سپاه روسیه را از اقدام بجننگ مانع شود و بدین ترتیب متار که ای موقتی میان طرفین بوجود آمد تا مذاکرات صلح آغاز شود.^۱

فتحعلیشاه که مفتون و مسحور پیروزیها و مواعید ناپلئون شده بود، مصالحه با روسها را موکول بنظر ناپلئون کرد و میخواست مذاکرات صلح در پاریس، زیر نظر ناپلئون صورت گیرد ولی روسها که می دانستند صلحی که در پاریس صورت گیرد مصالح و نیات مخصوص آنها را تأمین نمیکند پیشنهاد ایران را نپذیرفتند و مارشال گودویچ Gaudowitch در ۲۳ رجب ۱۲۲۳ (۱۴ سپتامبر ۱۸۰۸) نامه‌ای بسیار شدیداللحن و تند به عباس میرزا نوشت و در این اتمام حجت (التیاقوم) یاد آور شد چنانچه ولیعهد ایران راضی به واگذاری قسمت‌هایی از نواحی شمال رودخانه ارس بروسها نشود ارتش روسیه حملات خود را آغاز خواهد کرد و هنوز نامه او به عباس میرزا نرسیده بود که ستاد و قرارگاه سپاه خود را به او چمبازین آورد (۱۹ شعبان = ۱۰ اکتبر) و نیروهای او به بندر انزلی (بندر پهلوی امروز) و به کرانه‌های کیلان حمله بردند. نامه گودویچ هنگامی بدست عباس میرزا رسید که خبر تجاوز روسها هم واصل شده بود و عباس میرزا از روی خشم نامه گودویچ را پاره کرد (۱۴ اکتبر = ۲۳ شعبان).^۲

۱- اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه ج ۱۰ برگ ۲۰۰

۲- ترجمه فارسی این نامه در کتاب «مأموریت ژنرال گاردان» ترجمه عباس اقبال (صفحات ۱۰۸ تا ۱۱۱) موجود است.

بر اثر این خبر ژنرال گاردان منشی خود لاژار Lajard را در ۶ رمضان (۱۲۶ کتبر) برای مذاکره با مارشال گودویچ به تفلیس فرستاد^۳ ولی مارشال گودویچ لاژار را بسردی پذیرفت و پیشنهاد متار که جنگ و صلح در پاریس را قبول نکرد و نامه دیگری به عباس میرزا نوشت و در آن گفته بود:

«بهرتر می بود این فرستاده بخود زحمت آمدن تا اینجا را نמידاد. من اگر میخواستم و میتوانستم پیشنهاد ژنرال گاردان را بپذیرم، پیش از این یعنی در همان نخستین بار که او پیشنهاد متار که جنگ و برقراری صلح بین روسیه و ایران را کرده بود می پذیرفتم. امروز دیگر امپراطور ناپلئون هم خود اگر شخصاً از من بخواهد که بجنگ پایان دهم من دست از عملیات خود علیه ارتش ایران برنمیدارم»^۴.

سند سوم نامه ایست از عسکرخان سفیر ایران در دربار ناپلئون که پس از بسته شدن پیمان فین کنشتاین Finkenstein و بازگشت میرزا رضا خان قزوینی^۵ بمنظور تحکیم روابط با ناپلئون بفرانسه رفته بود. این نامه هر چند تاریخ ندارد ولی از روی ترجمه فرانسوی آن که نیز به مهر عسکرخان مهور و در بایگانی ملی پاریس ضبط است میتوان دانست در ۲۱ سپتامبر ۱۸۰۹ (۱۱ شعبان ۱۲۲۴) نوشته شده است^۶.

در این نامه عسکرخان در دو جا از ژوبر Jaubert سخن گفته است و این شخص همان منشی و مترجم مخصوص ناپلئون است که ناپلئون او را با نامه ای مورخ بتاریخ ۱۶ فوریه ۱۸۰۵ (۱۶ ذی قعدة ۱۲۱۹ قمری) بدربار فتحعلیشاه فرستاد^۷ و او در راه آمدن بایران در بایزید بدست پاشای بایزید

۳- اسناد و مکاتبات ایران ج ۱۰ برگهای ۳۲۹ و ۳۳۰- بکتاب مأموریت ژنرال گاردان ترجمه فارسی هم رجوع کنید (۱۲۸ و ۱۱۲)

۴- نامه های چاپ نشده ای از اعضای سفارت ژنرال گاردان، تألیف Déhérain صفحه ۲۶۵ (نسخه فرانسوی)

۵- این شخص از طرف فتحعلیشاه برای بستن پیمان دوستی و اتحاد نزد ناپلئون رفته بود و نسخه اصل پیمان فین کنشتاین که در بایگانی ملی پاریس ضبط و بزبان ترکی و فرانسه است بامضای اوست.

۶- بایگانی ملی پاریس، کاتن AF. IV 1686 پرونده ۳ قطعه ۱۳.

۷- برای آگاهی از مضمون این نامه به مجله شرق سال ۱۳۰۸ ترجمه استاد فقید سید نفیسی رجوع کنید.

دستگیر شد و هفت ماه در زندان اوبسختی بسر برد تا آنکه بر اثر یاری برخی از کسان پاشا و تهدیدات و کوششهای اولیای ایران بالاخره از زندان رهائی یافت (۳۰ ذی قعدة ۱۲۲۰ مطابق با ۱۹ فوریه ۱۸۰۶) و در هجدهم ربیع الاول ۱۲۲۱ (پنجم ژوئن ۱۸۰۶) خود را به تهران رسانید^۸.

ژوبر پس از مدتی اقامت در ایران سرانجام در اوائل جمادی الاول ۱۲۲۱ (اواخر ژوئیه ۱۸۰۶) ایران را ترك گفت و بسوی پاریس رفت^۹.

۱- رقم عباس میرزا نایب السلطنه به عسکر خان^{۱۰}

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت پناها ارادت و صداقت آگاه مجدت و نجدت انتباه شهامت و بسالت اکتناه سفیر فرزانه آگاه عمده خوانین کبار عسکر خان سالار عساگر افشار بعوارف سلطانی مستظهر و بعواطف خاطر مرحمت مبنای مستبشر بوده بدانند که درین سال فرخنده فال بعد از آنکه بنا بر اظهار عالیجاه مجدت و نجدت انتباه زبده الامراء المسيحیه جنرال غاردان خان بنای کار بر این شد که تسا معاودت آنعالیجاه یا رسیدن خبری از دولت علیه فرانسه طریق متار که مسلوک بوده از عساگر دولت علیه و سپاه روس آسیبی و تعرضی بیسکدیگر نرسد و عالیجاه جنرال مشارالیه تمهدنامه مشعر بر ترک مجادله روسیه با عساگر دولت قاهره بکار گزاران ما سپرده حجتی هم از آنها دریافت نمود که از طرف نواب والا جنگ و جدالی رو ندهد و بهمین خصوص یکی از کسان خود را روانه نزد گودویچ سردار روسیه نموده باین اطمینان نواب والا نیز عساگر پادشاهی را از سلطانیه برکاب ظفر نگار احضار نفرموده خاطر جمعی کامل داشتیم که روسیه حفظ دوستی دولت علیه و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه و اتحاد شو کیتن فرانسه و

۸- ژوبر خود شرح این گرفتاریها و وسختیها را به تفصیل در سفرنامه خود نوشته است. ر. ک به «مسافرت به ایران و ارمنستان» ترجمه محمود هدایت.

۹- اسناد و مکاتبات ایران جلد ۹ برگ ۲۰۹.

۱۰- اصل این رقم که اثر مهر عباس میرزا در گوشه راست و بالای آن دیده میشود دو بایگانی ملی پاریس و در مجموعه AF . IV 1686 پرونده دوم برگ چهارم ضبط است.

ایران را مرعی داشته خلاف قرارداد نخواهند نهود و گودوویج اولاً بسخن عالیجاه جنرال و نوشته و فرستاده او التفاتی ننموده بناگاه خود در اول سردی هوا با گروهی بی شمار قاصد ایروان گردید و از طرف نخجوان نیز جمعیتی انبوه بولایت مزبور فرستاد ما نیز چون سپاهی مستمداز عساگر منصوره در رکاب مستطاب نداشتیم امر قلعه ایروان را حسب الواقع مضبوط کرده ایلات و رعایای آنجا را در محکمه های محکمه جاداده حکم بکوچیدن ایل و رعیت نخجوان فرمودیم و برای اینکه روسیه نخجوان را گوشمالی دهیم که تاجم آمدن سپاه ظفریناه مصدر امری نتواند شد با جمعیت حاضر رکاب عزم مجادله روسیه مأمورین نخجوان را و جبهه همت بلند ساخته میانه سیسیان و نخجوان آنها را ملاقات و صدمه و ضربی کلی بآنها زده قتل و اسیری کامل از آنها فرمودیم چون اطمینان کامل از کار ایروان حاصل فرموده و سپاه منصور نیز هنوز بر رکاب والا نرسیده بودند و یقین داشتیم که روسیه نخجوان تمامتی مدید تدارک شکستگی خود را خواهند نمود بنای توقف را در این طرف آب ارس گذاشته اهمیت و الانهت را بجمع آوردن سپاه و تهیه کار جنگ مصروف فرمودیم و چون حقیقت این اخبار بدر بار دولت گردون مدار رسیده و عالیجاه جنرال مشارالیه نیز مستحضر گردیده بود عالیجاه صداقت آگاه لاژار خان را روانه نزد غراف گودوویج سردار روسیه نموده که شاید مشارالیه بی آنکه میانه دو سپاه کار بجنگ و جدال کلی کشد دست از محاصره قلعه کشیده تار سیدن خبر از دربار دولت علیه فرانسه بمتار که راضی گردد و گودوویج باز بسخن عالیجاه موسی لاژار نیز التفات و اعتنائی ننمود دست از مجادله باز نداشت و چون میدانست که مجرد آنکه سپاه نصرت پناه در معسکروالا مجتمع گردند او را مجال وامان نداده متفرق و پیریشان خواهیم ساخت وقت را غنیمت دانسته شب نهم شوال دو ساعت بصبح مانده با همه سپاه خود از هر طرف بجانب قلعه رو کردند مستحفظین قلعه نیز که بادلهای قوی مشغول حفظ و حراست بودند از یورش ایشان اندیشناک نشده چندان تأمل نمودند که تمامی سپاه روسیه از خندق عبور و بیای دیوار رسیده نردبانها را بیدنه برج و حصا و گذاشته بودند بعد از آن تفنگچیسان آتش بسار قلعه از هر طرف مانند ابرهای برق انگیز شروع بشراه

ریزی کرده بخواست خدا و باقیال بیزوال اعلی حضرت قدر قدرت خسرو ملک کشا قتلگی چنان در آن سامان تقدیم کردند که درون و بیرون خندق و پای برج دیوار از هر طرف پرازنهای کشتگان روسی شده در هر جانب از کشته پشته بلند عیان گردید و خون ایشان مانند جوی روان گشت و تمامی تفنگ و سلاح و نشان صاحب نشانهای ایشان بدست محافظین قلعه افتاده تدارکی تازه برای قلعه از اسلحه آنها مقدور و میسر گردید و بغیر معدودی از ایشان که بامشقت و تلاش بسیار جسانی سلامت برده بسنگر خود رسیدند بقیه ایشان عرض فنا و دمار شده سه هزار کس مقتول و دوهزار نفر آنها مجروح گردید و چون مقارن آن حال دلاوران جنگجو نیز از اطراف و اکناف فوج فوج برکاب مستطاب منصور میرسیدند و نواب والا گروهی انبوه از ایشانرا در مقدمه موکب ظفر کوکب والا چون آتش و باد از آب ارس با نظرف گذرانیده مأمور بمجادله و محاربه روسیه ایروان و نخجوان فرمودیم و عقاب رایت ظفر نگار را نیز بجناح حرکت آورد متعاقب پیشروان سپاه ظفر پناه قاصد و عازم دفع و رفع روسیه بودیم و خبر عزیمت سپاه و اراده حرکت موکب فیروزی همراه نیز بسردار روسیه رسیده و یقین داشت که مجرد آنکه موکب فیروزی کوکب والا بسار دیگر بمزم خصم افکنی و دشمن شکاری حرکت نماید دو سپاه او را پای ثبات و قرار نخواهد بود لابد و ناچار هنوز عالیجاه رفیع جایگاه امیر الامراء العظام حسین خان سردار بیکر بیگی ایروان که با سپاه بجانب ایروان مأمور شده بود بخارج قلعه ایروان نرسیده و عالیجاه رفیع جایگاه زبده الامراء الکرام علی خان قاجار بظاهر شهر نخجوان وارد نگردیده بودند که سردار روسیه چاره کار خود را در معاودت و فرار دیده خود و روسیه ایروان نیم شبی از خارج ایروان بحدود گرجستان فرار و از روسیه نخجوان نیز بجانب قراباغ فراری گردیده از یکطرف موکب والا نیز که تریک سوار و عزیمت نموده بود در آنطرف نخجوان روسیه را ملاقات و از طرف دیگر سپاه ظفر پناه منصور که بایروان مأمور گردیده بودند در چهار فرسخی ایروان روسیه آنجا را دریافته چهار منزل آنها را تعاقب نمودیم و در هر منزل جمعی کثیر و جمعی غفیر از آنها کشته و مجروح و گرفتار و اسیر گردید و چنان صدمه و شکستی بآنها رسید که

همه عراده و بیشتر قورخانه و اسلحه خود را سوخته و ریخته کوه بکوه از بیم جان فرار و بی سیر طریق خذلان گردیدند و بحمد الله المنه دشمنی که به پیروزی خود مغرور بود چنان مقهور و مکسور و ابواب بلا بر روی او مفتوح گردید که بیخ و بن هر سنگ و خاری را محل سلامت خود می ساخت و از تفضلات بالغه الهی ضرب و صدمه و شکستی به آن ها رسید که امروز از نخجوان و ایروان تا چند منزل همه جا تنهای کشتگان آنها ریخته و خاک صحرا با خون آنها آمیخته است. بالجمله چون در این اوقات که روسیه بحدود ایروان و نخجوان آمده بودند انواع بی اعتنائی از ایشان نسبت به عالیجاه موسی لازارخان و فرستاده اول که نوشته عالیجاه جنرال را برده بودند ظاهر گردید و از قرار شرحی که گودویچ سردار روسیه بنواب والا و کار گزاران سرکار قلمی داشته بود کمال بی اعتنائی او نسبت به دولت علیه دائمة القرار فرانسه استنباط میشد. نواب والا با احتیاط اینکه مبادا خدانخواستہ ضعف و فتوری از طرفی بمساکر ظفر مآثر فرانسه رسیده باشد تاناری علی التعجیل تعیین و شرحی به عالیجاه موسی مبور مرقوم داشتیم که اوضاع دولت علیه فرانسه را خود بزودی قلمی و حکم محکم را نیز بآ عالیجاه ابلاغ نماید. بآ عالیجاه نیز مقرر میشود که در رسیدن حکم و الاحقایق اوضاع آن حدود و مزده استقرار کار اعلی حضرت قدر قدرت شمار امپراطور اعظم عم اکرم را علی التفصیل قلمی و عرض نماید که خاطر عطف و ذخائر والا از این رهگذر قرین استظهار و اطمینان بی منتهی گردد و همه وقایع این حدود را نیز که بآ عالیجاه مرقوم داشته ایم حالی و خاطر نشان کار فرمایان دولت علیه فرانسه نموده ایشانرا از مراتب بی اعتنائی های روسیه بدولت علیه فرانسه و بسخن و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه مستحضر سازد و عنایات خاطر والا را درباره خود کامل دارند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر ذی القعدة ۱۲۲۳.

۲- نامه میرزا عیسی قائم مقام (میرزا بزرگ) به عسکرخان ۱

عالیجاه رفیع جایگاه ، عزت و سعادت همراه ، مجددت و جلالت اکتناه ،
 فخامت و نبالت انتباه دوستی و مودت آگاه عمدة الخوانین العظاما
 ان شاء الله تعالی همواره روضه عزت و صدیقه مجددت از رشحه افشانی
 سحاب الطاف سجانی قرین حضرت و ربانی بوده از وسعت صرصر زمان در
 حفظ و حمایت ملك منان باد . بعد از اظهار شوقمندی بادرارك ملاقات بهجت
 علامات بر صفحه دوستی و موالات مینگارد که اولاً متمادی و قتیست که از
 جانب خیریت جوانب استحضاری حاصل نیست و مراسله مشعر بر حقایق
 احوال خیریت از آنعالیجاه نرسیده . چون زمان مسافرت ایشان بطول انجامیده
 و استعمال حالات لازم بوده بتحریر و ترسیل اینمراسله پرداخته اظهارمیشود
 که هر گاه از احوال و اوضاع اینحدود خواهند مستحضر شوند حقیقت از
 قراریست که نواب مستطاب فلکجناب حور ارکاب ولی النعمی ام مرقوم
 فرموده اند که بعد از زیارت رقم از حقایق حالات مستحضر خواهند شد .
 آنعالیجاه ان شاء الله الی حال از دولت علیه زانسه مراجعت نمود خواهد بود
 و بعنایت خدا امورات سروصورتی بروفق خواهش یافته بهرجهت همه روزه
 چشم براه ورود مسعود و حصول سلامتی وجود مسرت نمود آنعالیجاه میباشد .
 باقی ایام بکام باد برب العباد .

۳- نامه عسکرخان به ناپلئون

تنای شاه جهان ورد شب نشینان است

دعای دولت او ورد صبح خیزان باد

بهر طرف که کشد تیغ یکسواره چومهر

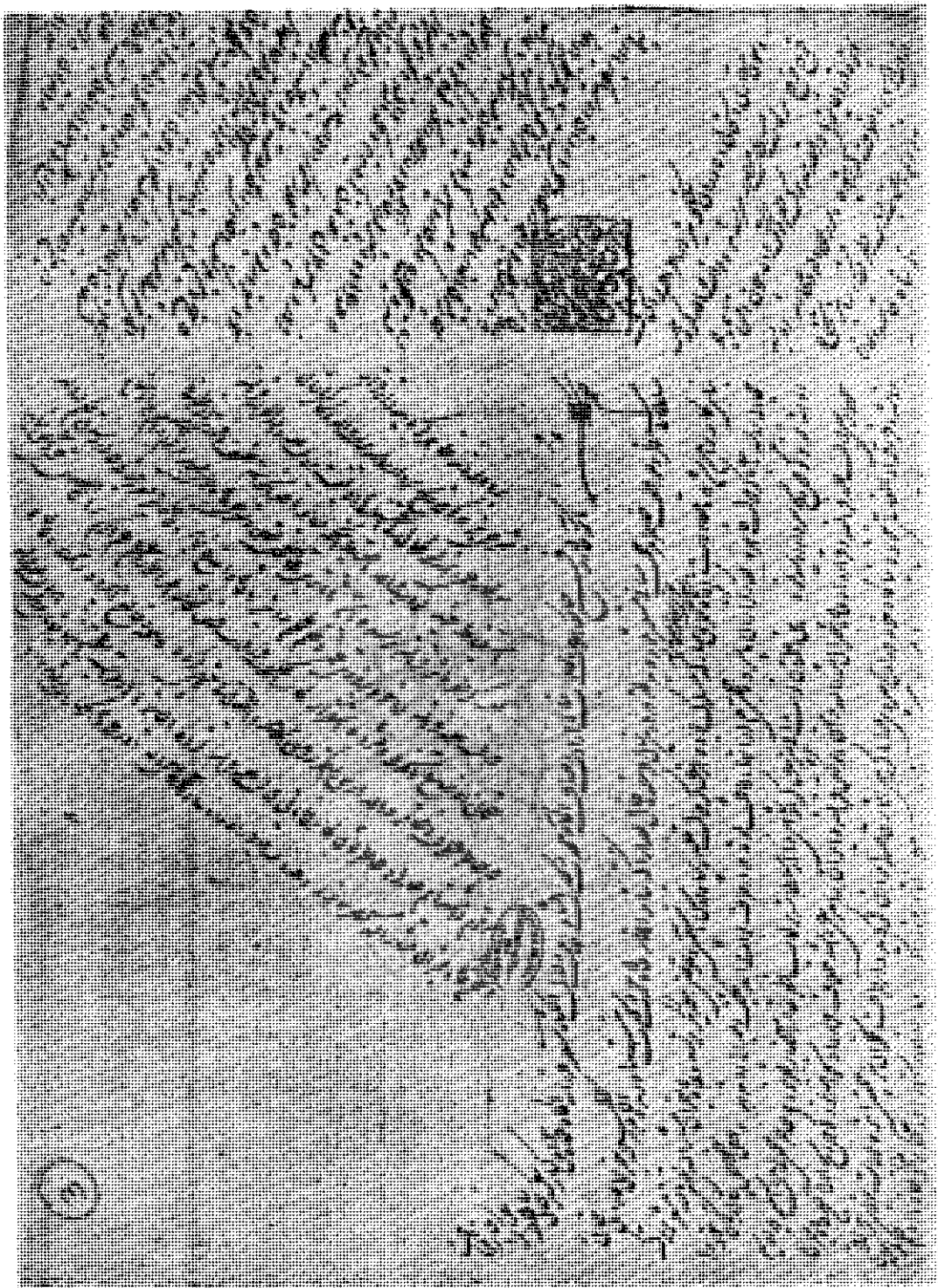
سپاه خصم چوانجم زهم گریزان باد

اقسم بالله و آیاته که صبح وشام وضیفه (کذا) دعای دولت جاوید مدت پادشاه

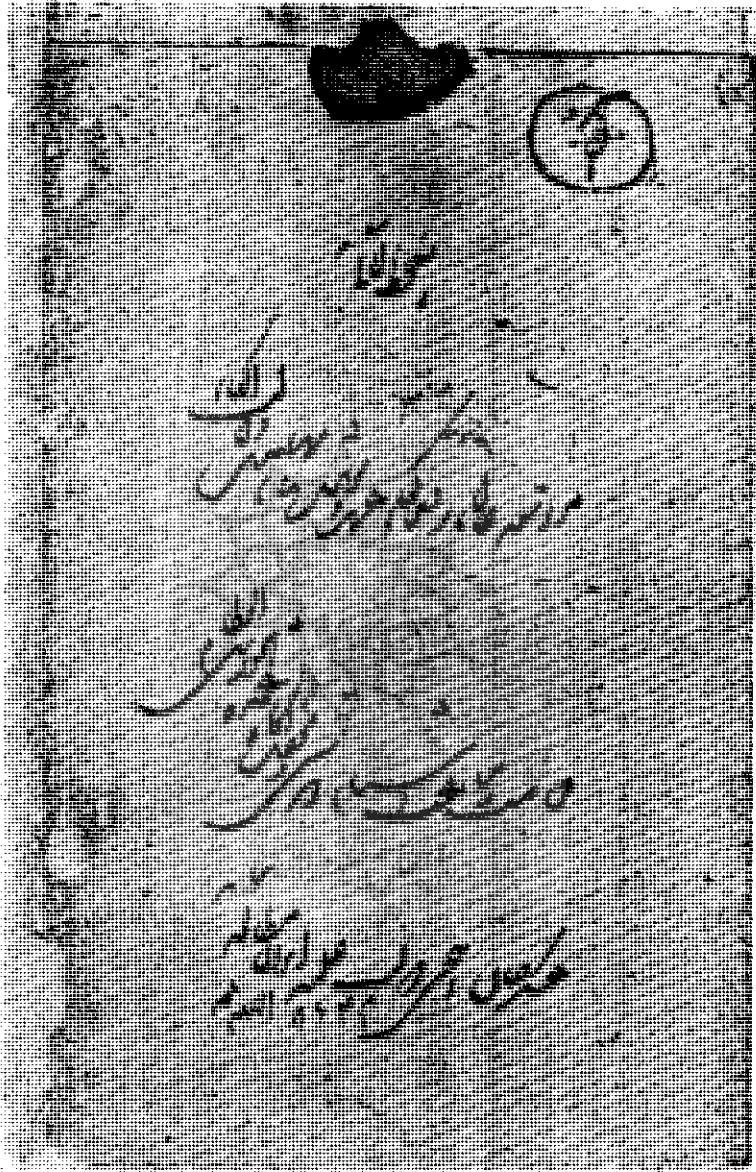
- ۱- اصل نامه در بایگانی ملی پاریس : مجموعه AF. IV , 1686 پرونده ۴ برگ ۵
 ۲- اصل نامه در بایگانی ملی پاریس در مجموعه AF. IV , 1686 پرونده سوم برگ ۱۴

ممالك پناه، ملايك اشتباه، مؤيد مظفر سعادت يار، نور حدقه شهر يارى و نور
 حديقه خسروى و فرمان گذارى (كذا) خلد الله تعالى زمانه مرتب است
 ورجا و ائق كه دهنده مرادات و بخشنده سعادات عمت ميامن الاء على الدوام
 اسباب ارتفاع لوای در سلك حصول منتظم دارد و آثار مفاخر شهر يارى نامدار
 طراز مآثر ملوك رفيع مقدار گرداناد. چون بر ذمت همت بندگى و فدويت
 لازم است كه همه اوقات بتحرير عريضه ارادت فريضه پرداخته وجود نابود
 خود را بر پيشگاه ضمير منير تنوير پادشاهى جلو گر ساخته اظهار عبوديت و
 بندگى نموده باشد. در اين هنگام سعادت فرجام كه عالیشان زبدة الملة المسيحيه
 كامل عاقل هوشيار موسيو ژوبو عازم و روانه خاكپای توتياسای اقدس ارفع اعلى
 ميشد لازم دانسته بندگى و فدويت خود را در نظر فيض منظر پادشاه عالم پناه
 ظاهر و هویدا ساخته از حضرت بارى تعالى مسئلت مى نمايد كه دائماً فتح و
 ظفر غاشيه كش و سعادت و نصرت در جلو و عمر دولت روز افزون الی انقراض
 عالم دایم و قايم باد. استدعا آنكه و تمنا چنان كه همه اوقات كمترين غلامان
 را از گوشه عنایت محو و منسى نفر مايند و گزارشات كمترين بقرار يست كه
 عالیشان موسيو ژوبر بعد از شرفياب حضور زبانی عرض خواهد ساخت. اگر چه
 اين غلام را آرزو آن بود كه خود با چند نفر ملازم در خدمت منازعه و غوغا در
 خاك كپای والا، قيام و اقدام نموده خدمت گزارى خود در نظر - رانور پادشاهى
 جلوه گرسازد، از كم طالعى مقدور نگرديد اميدوارم كه باصدا رقم مبارك
 مطاع اين غلام جان نثار را از خاك مذلت برداشته سرافتخار و مباحات را باوج
 سموات برافرازند كه شايد مس وجود اين خاك از تاثير اكثير كيميا اثر رشك
 فرماى طلاى خالص وزر كامل عيار گردد. باقى

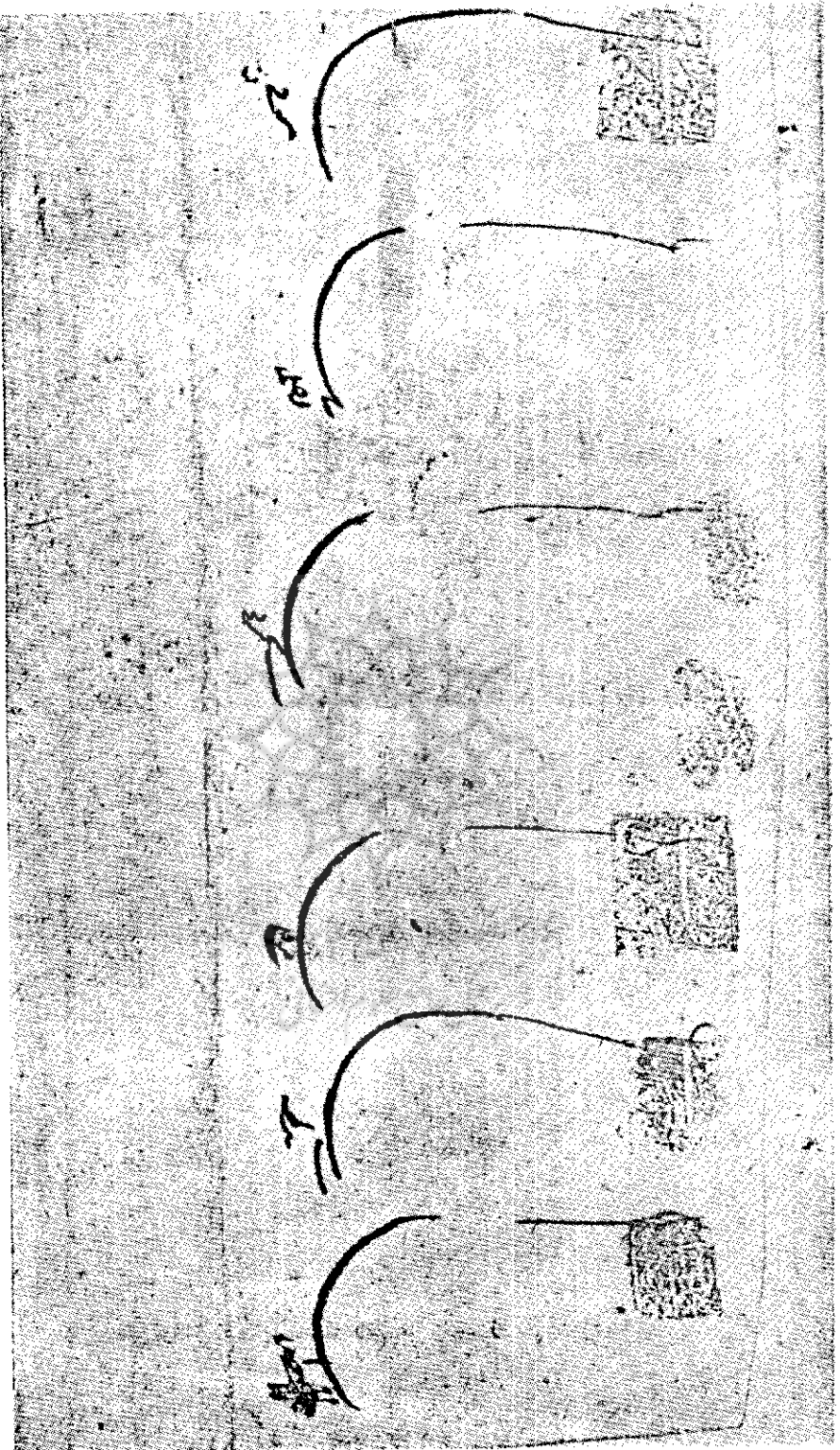
باقى مباد كه هر كه نخواهد بقاى تو عمرت دراز باد برين ختم والسلام.



۱ - قسمت ابتدائی و قسمت آخر رقم عباس میرزا نایب السلطنه
که به عسکرخان افشار نوشته شده است .



۲- متن نوشته روی پاکت که رقم عباس میرزا در آن بوده است



۳- اثر مهر مستوفیان در پشت رقم عباس میرزا

بسم الله الرحمن الرحيم

مدرسه کمالیه شهر تبریز

مدرسه کمالیه شهر تبریز



مدرسه کمالیه شهر تبریز

مدرسه کمالیه شهر تبریز

مدرسه کمالیه شهر تبریز

مدرسه کمالیه شهر تبریز



201

1302

مدرسه کمالیه شهر تبریز



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبى المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين